

عجایب و غرایب مادر شدن در «یک عمر کار»



«یک عمر کار» عنوان یکی از تازه ترین کتاب های نشر بیدگل است که به تجربه مادر شدن می پردازد. کتابی که به قلم ریچل کاسک نوشته شده است و نشر بیدگل با ترجمه طهورا آیتی، آن را به قیمت ۲۶۵ هزار تومان منتشر کرده است. انتشارات بیدگل در معرفی این اثر نوشته است: یک عمر کار روایتی است بی پرده از عجایب و غرایب مادر شدن که در آن ریچل کاسک با صدافتی نفس گیر، طنزی ظریف و زبانی روشن و گیرا از مواجهه شخصی اش با تجربه مادری می گوید. کاسک، که با رمان هایش جوایز بسیاری کسب کرده، در خاطراتش از ایامان و اولین ماه های پس از آن، دقت و هوشیاری گزارش نویسی را با تخیل و حساسیت رمان نویسی درهم می آمیزد و جنبه هایی از تجربه مادری را به تصویر می کشد که اغلب کمتر از آن ها می گوئیم و می شنویم. با انتشار کتاب در سال (۲۰۰۹)، نگاه تازه و صادقانه نویسنده به این تجربه آشنا زمینه ساز بحث های بسیاری در میان خوانندگان و منتقدان شد. اما کتاب کاسک، فارغ از تحسین ها و انتقادات بسیاری که برانگیخته، شرح مواجهه ای شخصی است که پیامدهای اجتماعی گسترده ای دارد، مواجهه پایکی از عمیق ترین تحولات زندگی ما که درکمان را از جهان، از دیگران و البته از خودمان زیورور می کند. در بخشی از این کتاب می خوانیم: احساس می کنم دارم از مسیر درست زندگی ام منحرف می شوم، انگار در مسیری جلو می روم که اصلا نمی شود آن را پیموذ، انگار سوار قطاری شده ام و می توانم از پنجره جاده ای را ببینم که همواره در آن بوده ام و قطارم چند صباحی در امتدادش پیش رفته، اما بعد سرعت گرفته و دائما به شرق یایغر، به طرف چشم انداز تپه های ناآشنا پیچیده و هر چه راکه پشت سرش بوده به حال خود رها کرده تا نابود شود.



سبزوار، فقط «مشتاق کتاب» است

در نشست خبری معرفی شهرهای دوستدار کتاب که ۲۶ فروردین در محل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد، شهرهای دوستدار کتاب معرفی شدند طبق تقسیم بندی تازه ای که صورت گرفته است، این شهرها در سه دسته شهرهای دوستدار کتاب (که از میان آن ها پایتخت کتاب معرفی خواهد شد)، شهرهای مشتاق کتاب (شهرهایی که سال هاست در این طرح شرکت می کنند، اما نتوانسته اند برنامه هایشان را به استاندارد های طرح نزدیک کنند) و شهرهای زیر چتر کتاب (شهرهایی که به فعالیت کتاب خوانی علاقه دارند، اما زیرساخت های لازم از جمله کتاب فروشی ندارند) قرار گرفته اند. بد نیست بدانید که سال گذشته، سمنان، در رقابت با شهرهای دیگری چون سبزوار، توانست عنوان پایتخت کتاب ایران را از آن خود کند. آن گونه که مطرح شد، در این گزینش، ملاک هایی چون برنامه های خلاقانه با استفاده از فناوری های نو ظهور تأثیر داشت. تاکنون شهرهای نیشابور، یزد، شیراز، بوشهر، اهواز، سنج و ... به عنوان پایتخت کتاب انتخاب شده اند. اما فهرست نامزدهای امسال از چه قرار است و چه ملاک هایی برای این انتخاب ها وجود دارد؟

بهشهر از استان مازندران، لاهیجان از استان گیلان، شاهین شهر و میمه از استان اصفهان، قزوین از استان قزوین، ارومیه از استان آذربایجان غربی و اوز از استان فارس، در زمره شهرهای دوستدار کتاب معرفی شده اند. همچنین شهرهای مشتاق کتاب از این قرار هستند: خوی در استان آذربایجان غربی، سیرجان در استان کرمان و سبزوار در استان خراسان رضوی. فومن استان گیلان، و رابر و فهرج کرمان نیز به عنوان شهرهای زیر چتر کتاب انتخاب شده اند.

به گزارش خبرگزاری ایسنا، علیرضا نوری زاده، مدیرکل دفتر مجامع و تشکل های فرهنگی، در نشست شهرهای راه یافته به مرحله نهایی انتخاب نهمین دوره پایتخت کتاب ایران، درباره ویژگی ها و معیارهای داوری پس از غربال اولیه، بیان کرد: برنامه ها باید قابلیت شبکه سازی داشته باشند و مختص گروه خاصی نباشند تا حیات و ممات برنامه ها به شخص و ارگان خاصی وابسته نباشد و برنامه ها باید در هم تنیده باشند تا در طول سال، امکان اجرای آن ها وجود داشته باشد. علاوه بر این، برنامه ها باید از قابلیت الگوبرداری نیز برخوردار باشند. همچنین زمان بندی دقیق و ضمانت اجرایی نیز از دیگر معیارهای داوری جشنواره است.

او با بیان اینکه در نهمین دوره انتخاب شهرهای دوستدار کتاب، شهرها در سه دسته تقسیم می شوند، توضیح داد: شهرهای دوستدار کتاب شهرهایی هستند که قابلیت پایتخت کتاب ایران شدن را دارند. دسته دوم شهرهایی هستند که در زمینه ترویج کتاب تلاش کرده اند و در فعالیت های خود استمرار داشته اند. آن ها همیشه در جشنواره شرکت می کردند اما با توجه به اینکه رقابت نزدیک و تنگاتنگ بود، انتخاب نشدند. در این زمینه طبق بیانیه هیئت داوران شهرهایی با عنوان «شهرهای مشتاق کتاب» انتخاب شدند. شهرهایی که به فعالیت کتابی و کتاب خوانی علاقه مند هستند اما امکاناتی حتی در حد یک کتاب فروشی ندارند نیز، به همین دلیل با عنوان «شهرهای زیر چتر کتاب» انتخاب شدند و برای ایجاد کتاب فروشی از آن ها حمایت خواهد شد.

شهریار

۵۵شبه
۲۸ فروردین ۱۴۰۴
۱۸ شهریور ۱۳۹۹
شماره ۲۲۲۸



فرهنگ و ادبیات

علی باقریان

مگر تایکی چاره سازد نِهان

که پَر دَخته‌ا^{۱۱} مانند ز مردم جهان^{۱۲}

از آن پس برآمد از ایران خروش پدید

آمد از هر سوی جنگ و جوش^{۱۳}

سپه گشت زَخشنده روزِ سَپید

گیسَستند پیوند با جمشید

بر او تیره شد فَره^{۱۴} ایزدی به کُژی

گرایید و نابخر دی

پدید آمد از هر سوی خسروی^{۱۵}

یکی نام جویی به هر پهلوی

۱- پَر دَخته: کوتاه‌شدهٔ «پَر داخته»، تهی شده، خالی شده. ۲- پی این بود که چاره‌ای پنهانی ببندبشد، مگر به‌موجب آن جهان از آدمیان تهی شود. ۳- جوش: آشوب، شورش. ۴- فَره: فروغ (فروغ ایزدی که گمان می‌کردند آن که شاه می‌شود از آن برخوردار است یا اصلاً کسی شاه می‌شود که فَره داشته باشد). ۵- خسرو: شاه.

درنگی در کم‌وکیف برگردان‌های منثور منظومه فردوسی، به‌مناسبت انتشار «شاهنامه منثور»، اثر گیتی فلاح‌رستگار

«گزارش کن و یک‌به‌یک هوش‌دار»

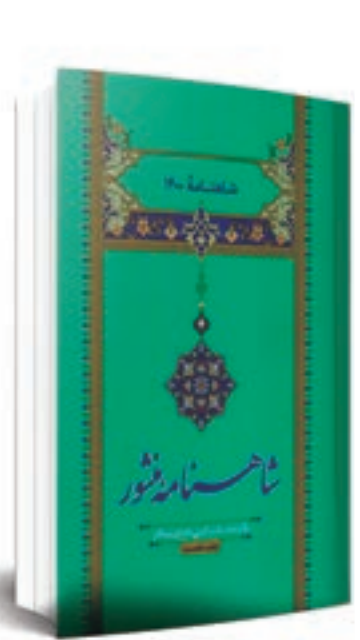


علی باقریان



«شاهنامه»، اگرچه بیش از هزار سال در میان فارسی‌زبانان پایسته است، امروز، در نزد عموم کمی دشوار می‌نماید؛ از همین رو، در چند دهه اخیر، بسیاری از اهل فن به شرح جزئی یا کلی اثر فردوسی پرداخته‌اند (اگرچه از این شرح‌هائیز برخی بیشتر به کار کسانی می‌آیند که کمابیش بضاعتی در ادبیات دارند). جز به این طریق، «شاهنامه» را به یک روش دیگر هم آسان‌یاب کرده‌اند؛ از آنجاکه عمده اثر فردوسی روایی یا روایتی است، برخی دیگر از اهل فن کوشیده‌اند، بدون آنکه به نکات تخصصی بپردازند، همه «شاهنامه» را با تنها یک یا چند داستان آن را به‌نثر در بیاورند، که – به‌هر حال – از کلام منظوم ساده‌تر است.

از این میان، فارغ از نسخه‌هایی که ویژه کودکان و نوجوانان‌اند و نیز آن دسته از نسخه‌های بزرگ سالانه که جامع‌افسانه‌ها



و داستان‌های منظومه فردوسی نیستند، این چند نمونه را می‌شود یاد کرد: «متن کامل شاهنامه فردوسی به‌نثر پارسی سره» در سه جلد از میترا مهرآبادی، استاد تاریخ؛ «برگردان روایت‌گونه شاهنامه فردوسی به‌نثر» از سید محمد دبیرسیاقی، استاد ادبیات فارسی؛ «شاهنامه به‌نثر؛ بی‌گزند از باد و باران» از کاوه گوهرین، نویسنده و شاعر؛ «نثر کامل شاهنامه فردوسی» از عباس عطاری (کرمانی)، نویسنده، (خوشبختانه، همه این آثار را در بازار می‌شود یافت). شمار این نثرها البته بیش از این است؛ اما اینجا نمی‌توان به همه آن‌ها پرداخت.

اثر نخست برگردان همه ابیات «شاهنامه» (اغلب براساس نسخه ژول مُل است که در آن نویسنده ـ بنا به گفته خودش ـ «هیچ‌گونه دخل و تصرفی» روا نداشته است. همچنین، به برگردان

خود پانوشت‌های توضیحی پرشماری افزوده است. اثر دوم (برپایه نسخه ثرثر ماکان)، «نه برگردان بیت‌به‌بیت و کلمه‌به‌کلمه [...]، بلکه برگردان‌گونه کوتاه و ساده‌ای است، بی‌آنکه از اصل مطلب هیچ نکته‌ای کاسته شده باشد.» اثر سوم ـ به‌گفته نویسنده ـ «به‌نثر سده پنجم و ششم»، و «بر تصحیح متن و رسم الخط گزارنده استوار است». اثر چهارم (بیشتر براساس چاپ مسکو) «فهم همگان» را منظور داشته و بنا بر این ـ به‌قول نویسنده ـ «به زبان و نوشتار رایج امروز ایران» است.

اما، به‌تازگی، یک روایت منثور دیگر نیز از «شاهنامه» انتشار یافته است. این اثر، تحت‌عنوان «شاهنامه منثور (شاهنامه

۱۴۰۰)، شمعی بر یادگار نیاکان» (در دو جلد)، حاصل کار گیتی فلاح‌رستگار (زاده ۱۳۱۸)، استاد پیشین زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه فردوسی، است. نویسنده، که پیش از این نیز سال‌ها به اثر فردوسی مشغول بوده و در این مسیر ـ مثلاً کتاب «بانوان شاهنامه» را تألیف کرده است، در اثر تازه خود، با ذکر اینکه «شاهنامه» ویژه خواص نیست»، در مقام «یکی از متولیان فرهنگ و ادب فارسی»، به امید اینکه «نسل امروز فارسی‌زبان بتوانند 'شاهنامه' را بخوانند»، همه ابیات منظومه فردوسی را به نثر درآورده است.

گیتی فلاح‌رستگار، خود، در پیشگفتاری مختصر بر این کتاب مفصل، در شرح

ماجرای این‌گونه نوشته‌است: «به 'شاهنامه' می‌نگریستم، باور نداشتم که بتوانم کمتر از شصت‌هزار بیت و بیش از دوهزار صفحه را 'نثرنویسی' کنم. آن‌گونه که نه 'شاهنامه منثور ابومنصوری' باشد و نه 'شاهنامه' فردوسی، اما گویای آن فضا باشد و خواننده، چون آن را بخواند، از محیط شعری و زبان شاعر دور نشود. سرانجام، گویی 'سروش شاهنامه' به یاری آمد و با فردوسی هم‌آرزو شدم. [...] اکنون، پیش‌نویس این 'شاهنامه منثور' به‌پایان رسیده است و پاک‌نویس و دوبار بازخوانی آن براساس 'شاهنامه' پیرایش استاد جلال خالقی مطلق تمام گشته است.»

زورآزمایی روایت‌های منثور از «شاهنامه»

سنجش میان برگردان‌های منثور منظومه فردوسی و نیز بررسی کیفیت کار مؤلفان آن‌ها با بررسی یک نمونه تا اندازه‌ای شدنی است؛ برای همین، اینجا، ۹ بیت از آغاز داستان جمشید را از تصحیح چهارجلدی جلال خالقی مطلق نقل کرده‌ایم و سپس برگردان آن‌ها را از پنج اثر پیش‌گفته آورده‌ایم. هرچند ـ چنان‌که آمد ـ نویسندگان این نثرها براساس یک نسخه واحد کار نکرده‌اند، بااین‌همه، اختلاف میان آن‌ها چندان نیست که مقایسه را بی‌اعتبار کند. از همین مختصر، بسیاری نکات، از جمله میزان پایبندی هریک از نویسندگان به کلام فردوسی و درجه توفیق ایشان در انتقال مطلب، را تا حدی می‌شود دریافت. ضمن مطالعه نمونه‌ها، همچنین، ارزیابی کرد و بنابر معیارهای نگارش فصیح و بلیغ سنجید.

● «شاهنامه به‌نثر؛ بی‌گزند از باد و باران» کاوه گوهرین، نگاه، ۱۳۹۱

از پس شدن تهمورس به دیگرسرای، پور او، جمشید، نشست بر جایگه پدر، بر روزگار اوی آسایش فراهم بود مردمان را و دیوان و پیران به زیر فرمان وی بودند. جمشید باشندگان سرزمینش را گفت که فرایزدی او راست و نیز فر شهنشاهی، اوی همچنان داد ستم دیدگان می‌داد و بر بیدادگران می‌تاخت و جان و خرد آدمیان سوی روشنی‌نمایی می‌برد.



● «نثر کامل شاهنامه فردوسی» عباس عطاری کرمانی، آسیم، ۱۳۹۳

چون طهمورث از جهان رخت برکشید، پسرش، جمشید، به جای او نشست. دیهیم شاهی بر سر نهاد، و به رسم پادشاهان، کمر شاهی بر میان بست و حکمش بر پیران و آدمیان روان گردید و از خصومت و داوری رست. مردمان را گفت: «هم فَر یزدانی دارم و هم شهریاری و دین‌داری، و دست‌بدکاران را از بدکردن کوتاه می‌کنم و جان‌ها را به‌سوی روشنی رهنمون می‌گردانم.»



فَره شهریاری، دست‌بدان را از بد کوتاه ساخت، و با فَره موبدی، روان مردمان را به‌سوی روشنی رهنمون کرد.

● «متن کامل شاهنامه فردوسی به‌نثر پارسی سره» (۳ جلد) میترا مهرآبادی، روزگار، ۱۳۷۹

پس از تهمورس، فرزند گرانمایه او، جمشید، بر تخت بنشست و، به رسم کیان، تاج زر بر سر نهاد. با شاه‌ی او، گیتی یکسره او را فرمانبردار گشت و دیو و مرغ و پرئ او را سر سپردند و زمانه از جنگ بیاسود، جمشید، چون بر تخت بنشست، مردمان را گفت: «من بر شما یان هم شهریارم و هم موبد، و فَره ایزدی یار من است. اینک برآئم تا دست‌بدان را از بدی کوتاه سازم و روان را به‌سوی روشنی رهنمون کنم.»



● «برگردان روایت‌گونه شاهنامه فردوسی به‌نثر» سید محمد دبیرسیاقی، قطره، ۱۳۸۰

چون طهمورث از جهان رفت، پسرش، جمشید، به جای او نشست و، به رسم پادشاهان، کمر شاهی بر میان بست و تاج بر سر نهاد. جهان او را رام و رهی شد و از خصومت و داوری رست. دیو و پری طاعت او را گردن نهادند. مردمان را گفت که هم فَر یزدانی دارد و هم شهریاری و دین‌داری. دست‌بدان را از بدکردن کوتاه می‌کند و جان‌ها را به‌سوی روشنی رهنمون می‌گردد.



چو گیتی سر آمد بر آن دیوبند/ جهان را همه پند او سودمند// به سوگ اندرون شد دل هر کسی/ نیامد بر آن روزگاران بسی// گرانمایه جمشید فرزند او/ کمر بست یک دل پر از پند او// برآمد بر آن تخت فرخ‌پدر/ به رسم کیان بر سرش تاج زر// کمر بسته با فَر شاهنشهی/ جهان گشته سرتاسر او را رهی// زمانه برآسوده از داوری/ به فرمان او دیو و مرغ و پری// جهان را فزوده بدوی آبروی/ فروزان شده تخت شاهی بدوی//

منم گفت با فَره ایزدی/ همم شهریاری و هم موبدی// بدان را ز بد دست‌کوته کنم/ روان را سوی روشنی ره کنم.



● «شاهنامه منثور (شاهنامه ۱۴۰۰): شمعی بر یادگار نیاکان» (۲ جلد) گیتی فلاح‌رستگار گل‌واژه توس، ۱۳۹۳

چون روزگار طهمورث دیوبند به پایان رسید، همگان به سوگ نشستند. دیری نیابید که گرانمایه جمشید، چهارمین پادشاه پیشدادی، با دریافت پندهای پدر، بر تخت نشست و، به رسم کیان، تاج زر بر سر نهاد، با فَر شاهنشهی، و جهانی سراسر او را رهی شدند. زمانه‌ای آسوده از شکوه و شکایت، و دیو و مرغ و پری همچنان زیر فرمان او، با افزونی آبرو و فروزانی تاج و تخت. [...] شهریاری بود که می‌گفت از فَره شهریاری و هم فَره موبدی برخوردار است؛ با

